ز شیراز و سعدی سخن خوش‏تر است

مشفق کاشانی

بده ساقی آن آب گلبیز را همان باده‏ی شادی‏انگیز را همان می که آب از رخِ ابر بُرْد قرار از دل و طاقت از صبر بُرد از آن باده کو ریشه در ابر داشت‏ و دُردانه از بستر خاک کاشت‏ مگر تا کی از نو به بار آورد ز خاکی که از کویِ یار آورد در او پرورد بوی شیراز را بهار بهشتِ طرب‏ساز را مشام خرد را معطر کند دماغ سخن را ز نو تر کند مرا در سخن گر،می و شکّر است‏ ز شیراز و سعدی سخن خوش‏تر است‏ «همان خاک پاکی که سعدی بزاد»1 و در سینه‏اش دُرج گوهر.نهاد غزال غزل فتنه‏ی رای اوست‏ چو کبک خرامان به صحرایی اوست‏ غزل را کمندی به گردن نهاد که کس را گشودن هنر این نداد به لفظ و به معنی غزل زانِ اوست‏ درین باغ پای خزان باز نیست‏ که با سوز پاییز دمساز نیست‏ «گلستانش»از گُل نگردد تهی‏ بدین آفرینش،بدین فرّهی‏ گُل آورد و پرورد در بوستان‏ کز آن پُر کند دامن دوستان‏ «به دل گفت از مصر قند آورند بر دوستان ارمغانی برند» «مرا گر تهی بود از آن قند دست‏ سخن‏های شیرین‏تر از قند هست» «نه قندی که مردم به صورت خورند که ارباب معنی به کاغذ برند» عجب نی که سعدی به تیغ زبان‏ گرفته جهان را کران تا کران‏ جهان از سخن پُر ز آوازه کرد زبان را به کار هنر تازه کرد

\*\*\*

کنون از پس قرن‏های دراز عروس سخن رخ برافروخت باز که«دُروش»همان شاعر چیره‏دست‏ به تقطیع آثار سعدی نشست‏ به رنجی گران‏بار گنجینه ساخت‏ تهی کرده از زنگ،آیینه ساخت‏ درین آینه نقشی آمد پدید چو خورشید تابنده،کو آفرید به آیین دیگر شد آراسته‏ ز هر لغزشی گشت پیراسته‏ گهرهای سعدی به«فضل اله» درخشید چون آفتاب پگاه‏ به دیوان اوسیری از نو خوش است‏ که تصحیح و تقطیع از«دروش»است‏ کسی را که رهبر بود چون«امین»2 گهرها فرو ریزد از آستین‏ همان سید پاک والاتبار که از نسل احمد بود یادگار به اعجاز و ایجاز و رای متین‏ امینی سخندان،سخن‏آفرین‏ به کردار فردوسی پاکزاد هنر را یکی تاج بر سر نهاد به لبخندی از شعر سعدی شکفت‏ به شایستگی هرچه بایست گفت‏ ز حافظ سخن گفت و هنگامه‏اش‏ جهانگیر شد حافظی نامه‏اش‏ دلی دارد از عشق افروخته‏ درین شعله خوش خوش جگر سوخته‏ به دستش بود خامه‏یی دلنواز نوازشگر دوست،دشمن گداز ز انفاس قدسی چو دم می‏زند به اوج فصاحت عَلَم می‏زند یدِ او همانا ید موسوی‏ست‏ و در او قلم معجز عیسوی‏ست‏ درین پهنه او را هماورد نیست‏ سخن گو به بزم سخن مرد کیست؟ دلم چون کبوتر به پرواز از اوست‏ درین اوج گوشم به آواز اوست

پی‏نوشت‏ها

(1)-ابیات و مصاریع که با اندک تغییر از سعدی اخذ شده در گیومه قرار دارد.

(2)-مقصود سید جلیل نبیل پروفسور حسن امین، موسس مجله‏ی وزین حافظ است.